



فیلم ببینیم به سیل زده‌ها کمک کنیم

جمعیت هلال احمر شما را به دیدن فیلم‌های سی و هفتمین جشنواره جهانی فیلم فجر دعوت می‌کند

سامانه اختصاصی کمک‌های مردمی
#۱۱۲



گفت‌وگوی «شهروند» با دختران سویسی که روستایان را نجات دادند

گمشدگان سیاهکل!

صفحه ۶

«شهروند» اهداف و دستاوردهای سفر نخست‌وزیر پاکستان به تهران را بررسی می‌کند

ایجاد کمربند امنیتی در منطقه

صفحه ۲

گزارش «شهروند» درباره شرایط ثبت‌نام و تحصیل دانش‌آموزان دوقلو در مدارس سختگیری براساس کدام قانون؟

صفحه ۱۲



مسعود اطیابی، کارگردان «تگزاس ۲» در گفت‌وگو با «شهروند»

فیلم بفروش هر چه باشد از فروش‌ها بهتر است

صفحه ۱۴

خط و نشان در بهارستان

از تصویب طرح اقدام متقابل در برابر آمریکا و تحریم ایل گرفته تا واکنش به تمدید نشدن معافیت تحریمی ایالات متحده

صفحه ۲

قبض‌های نجومی موبایل، وزیر را هم شوکه کرد

مردم می‌پرسند چرا پول‌هایمان باید در حساب همراهِ اول بماند؟

صفحه ۲

روایت بانوی امدادگر و دبیر طرح خادم کارون دفاع از زمین‌ها و خانه‌ها در جنگ با سیل

صفحه ۱۰



بهمین کشاورز، حقوق‌دان نام‌آشنای ایرانی دیروز بر اثر ایست قلبی در گذشت

ناگهان مرگ مرد آرام

به همراه گفتارهایی از همکاران و دوستان

بهمین کشاورز

صفحه ۴

گفت‌وگو با پوپک بسامی، اولین وزنه‌بردار زن ایران که روی تخته رفت

همه دور بین‌ها روی من بود

صفحه ۱۵



درآمد میلیونی چهارباز بگر اصلی بازی تاج و تخت دستمزد هر اپیزود نیم میلیون دلار!

صفحه ۷

گزارش «شهروند» درباره اپلیکیشن‌های مدیریت مالی چگونه از شر سارقان آنلاین جان سالم به دربریم؟

صفحه ۸

دانشنی‌های خونریزی و سوختگی ساده بدون دردسر

صفحه ۱۱

آخرین گزارش آماری جمعیت هلال احمر از عملیات امداد و نجات سیل و آبگرفتگی

امداد رسانی به ۶۰۵ هزار نفر در ۳۷ روزه عملیات نجات

صفحه ۱۰

نگاهی به سرنوشت چند بنای تاریخی به بهانه آتش‌سوزی کلیسای نوتردام

بازسازی‌های بزرگ در پی تخریب‌های بزرگ

صفحه ۱۲

یادداشت ۲

تخریب‌ها و حشتناک‌اند اما شاید ما از خواب بیدار کنند

سپاس باقی | حکایت ما که با عاشقان تحریم معلوم است؛ کسانی که می‌گویند تحریم‌ها هیچ و پوچ‌اند و مطلقاً کاری از دست‌شان بر نمی‌آید و خیلی هم برای ما و مردم بهتر می‌شود. چنین بزرگوارانی یا صدایشان از جای گرم درمی‌آید یا دشواری‌های تحریم‌ها را حس نکرده‌اند؛ و گرنه کدام انسان عاقلی مصایب تحریم‌ها را می‌بیند و مثل آن استاد مشخص‌الحال که از کاغذ پار نبودن تحریم‌ها می‌گفت، همچنان از فشارها استقبال می‌کند. در فاجعه‌بار بودن تحریم‌ها همین‌بس که هفته‌هاست برای گرفتن کمک‌های بین‌المللی دست‌مان به جایی نرسیده و از مبالغی که اختصاص داده شده یک دلار به کشور نیامده تا برای مردم سیل زده و زندگی از دست‌داده در سیل هزینه شود.

امام‌تلی هست که می‌گوید «عیب‌می‌جمله‌بگفتی، هنرش نیز بگو» و مطمئن این تحریم‌ها هم در کنار همه مشکلاتی که به وجود می‌آورد، می‌تواند فوایدی هم داشته باشد؛ یکی از این فواید هم فشار و تبعات تنگدستی ناشی از تحریم‌هاست! بله درست خواندید، فواید بی‌پولی؛ اما چرا نداری و فشار مالی می‌تواند برای مأموریت‌های مثبتی به همراه داشته باشد.

بار دیگر باید این حقیقت را تکرار کنیم که ما در جامعه ولخرج و پریخت‌پاشی زندگی می‌کنیم؛ نوعی از سبک زندگی که ارتباطی با شرایط اقتصادی کشور و سطح درآمد ملی و فردی ندارد. این را از شخصی‌ترین رفتارها تا کلان‌ترین تصمیمات و عادات اجتماعی می‌توان دید؛ برای نمونه آن‌چه در رفتارهای شخصی دیده می‌شود این است که ما همچنان به رسم سال‌های دور سوخت را جزو مایحتاج ارزان و بی‌ارزش محسوب می‌کنیم. بنزین و مبلغی که برای آن باید پرداخت در ایران از آخرین دغدغه‌های مالی است و اکثریت گمان‌شان بر این است که ما بر روی دریای نفت زندگی می‌کنیم و تا باید باید گاز را رایگان بسوزانیم و خودرور را بسیار ارزان برانیم. درباره تصمیمات و مخارج کلان هم مشکل عیان است. ما همچنان بخش بزرگی از بودجه کشور را به مصارفی اختصاص می‌دهیم که خروجی مشخصی ندارند. مراکز و موسساتی که سال تا سال کسی سراغی از آنها نمی‌گیرد و معلوم نیست جز برای خرج تراشی و گرفتن بودجه‌های کلان - دلیل وجودی‌شان چیست. سمینارهایی که سال گذشته دولت تأکید کرد باید برچیده شوند اما هنوز باشکوه و جلال بسیار بر گزار می‌شوند و میهمانان خوش می‌گذرانند و سفرهای خارجی و داخلی که مسئولان با خدم و حشم می‌روند و حساب و کتابی ندارند. شاید اینها برای مردم چندان ملموس نباشند اما مثال‌های درگیر کننده‌تری هم هست.

یکی از صحبت‌هایی که این روزها مدام شنیده می‌شود، مشکلات مالی باشگاه‌های فوتبال است. مردم نگران‌اند که چرا دستمزدها پرداخت نمی‌شود و تیم‌های بزرگ می‌توانند

یادداشت یک

پراید ۵۰ تومانی؛ چرا؟

متوقف شد و حدود دو دهه این وضع ادامه داشت و اکنون دوباره در مسیر گذشته قرار گرفته است. علت اصلی بالا رفتن قیمت خودرو حفظ ارزش پول و قدرت نقدشوندگی آن و نه ارزش کالایی خودرو است. در آن زمان که تورم سالانه بالا بود، سکه، ارز، خودرو و نیز خانه ویژگی حفظ ارزش پول را همراه قدرت نقدشوندگی داشتند. هر کدام ویژگی خاص خود را داشتند و هر کدام بخشی از مردم را بیشتر راغب به خرید می‌کردند. دلار و سکه ضمن آن که قدرت نقدشوندگی بالایی داشتند، در عین حال ریسک خاص خود را نیز داشتند. خرید مسکن و ملک بیشتر برای ارقام بالا مناسب بود، ضمن آن که قدرت نقدشوندگی آن کم بود. ولی خودرو و منافع خود را دارد و وسیله رفت‌وآمد و حتی کار نیز محسوب می‌شود، بنابراین در به‌طور قطع عوامل گوناگونی در افزایش قیمت کالاها تأثیر دارد که مهمتر از همه افزایش قیمت ارز است. ولی بسیاری از این عوامل در نهایت در قالب تحلیل اخیر است که توجیه‌کننده این حد از افزایش قیمت خودرو است. تا تورم وجود دارد، مردم در پی یافتن راهی برای حفظ ارزش پول و دارایی خود هستند و خرید خودرو داخلی مثل پراید یکی از بهترین شیوه‌هاست، چون سرعت نقدشوندگی آن خیلی بیشتر است و هزینه نگهداری آن نیز کمتر از سایر خودروهاست. اگر مشکل تورم مثل دوره اصلاحات حل شود و بانک‌ها قادر به حفظ ارزش پول و سرمایه مردم شوند، در این صورت خودرور به جایگاه کالایی و مصرفی خود باز خواهد گشت و قیمت آن مثل سال‌های گذشته متعادل خواهد شد.

عباس عبدی

روزنامه‌نگار

از هنگامی که قیمت خودرو رو به فزونی نهاد، خیلی‌ها سوال می‌کنند که چرا پراید و سایر خودروها این قدر گران شده است؟ مگر نه این که خودروهای داخلی دارای کمترین کیفیت هستند و به‌طور معمول در تست کیفیت نمره پایینی را به دست می‌آورند، پس چرا قیمت آنها سریع‌تر از سایر خودروها افزایش یافته است؟ این امر بی‌سابقه نیست. اجازه دهید به‌طور مثال به یک سابقه اشاره کنیم. سال ۱۳۷۴، یک دستگاه پراید که از کارخانه خریداری می‌شد، حدود ۴ میلیون و خرده‌ای قیمت داشت. آن زمان با این رقم می‌توانستید به راحتی یک آپارتمان ۸۰ متری در یک منطقه متوسط تهران خریداری کنید. قیمت پیکان حتی به رقم ۷ میلیون تومان هم رسیده بود. از آن زمان تاکنون شاخص قیمت‌ها از کمتر از عدد ۴ به رقم ۱۴۰ رسیده و سطح عمومی قیمت‌ها حدود ۳۸ برابر شده است و اگر قرار بود قیمت پراید متناسب با سطح عمومی قیمت‌ها افزایش پیدا کند، الان باید ۱۵۰ میلیون تومان می‌بود. ولی همه می‌دانیم که تا چندسال پیش قیمت پراید حدود ۸ میلیون تومان بود، یعنی دو برابر آن زمان، در حالی که سطح عمومی قیمت‌ها از سال ۱۳۷۴ تا زمانی که پراید ۸ میلیون تومان بود، حداقل ۲۰ برابر افزایش یافته بود. به عبارت دیگر، پراید به قیمت ثابت ۱۰ برابر ارزان‌تر شده بود. چرا پراید در آن زمان تا این حد گران بود و سپس رشد قیمتی آن